

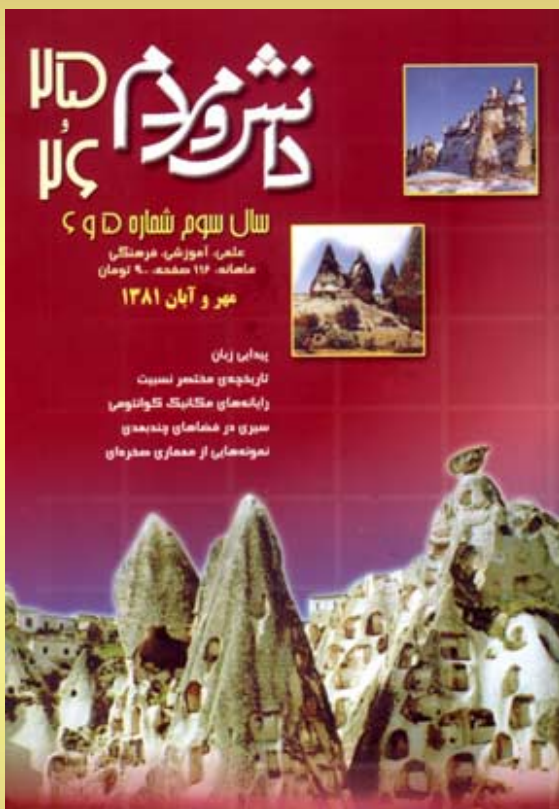
آوردن این مطالب نه به معنای تأییدست ونه به « تبلیغ » ونه ... تنها برای خواندنست و ...

39



دو برچیده از دو شمارهء « دانش و مردم »:

- روح الله مهدی پور عمرانی : بررسی چند واژه ی پهلوی باستان در زبان مازندرانی
- آتش ارشدی : نمونه هائی از معماری صخره ای ( در سرزمین های کهن )



اشتراک سالانه: ایران ۵۰۰۰۰ ریال  
 خارج: معادل ۱۵۰ فرانک فرانسه  
 نشانی: تهران، صندوق پستی ۱۳۱۴۵ / ۵۹۳  
 به نام نشریه دانش و مردم تلفن: ۶۷۰۸۵۸۱  
 پست الکترونیکی:  
 Daneshvamardom@Mavara.Com

\*\*\*  
 حق اشتراک و کمک های نقدی خود را به حساب جاری شماره ۲۳۵۲ بانک ملی ایران (کد بانک ۳۰۳) خیابان جمهوری، خیابان سی تیر به نام نشریه دانش و مردم واریز نمایید و رسید یا توجیهی آن را به دفتر مجله ارسال فرمایید.  
 \*\*\*

مقاله هایی که در «دانش و مردم» چاپ می شود، الزاماً دیدگاه گروه اندنگان آن نیست و نظر نویسنده مقاله یا مترجم را منعکس می کند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:  
 دکتر محمدرضا طاهریان  
 سردبیر: پرویز شهریاری  
 مدیر فن: حسن نیک بیخت  
 ابری جلد: سیروس فرستانی

حروفچینی: گنجینه ۱۲-۶۲۱۳۰  
 لیتوگرافی: آبرنگ ۶۲۰۴۹۷۷  
 چاپ و صحافی: رامین ۶۷۰۸۵۸۱

# دانش و مزده

(علمی، آموختن، فرهنگ)

دوره جدید، شماره ۳۸ و ۳۹  
دی و بهمن ۱۳۸۲

روی جلد، مقاله ی اینشتین را ببینید

## فهرست

- مرنوشت ستاره های پرچوم - نوشته: نایلی گهرلر، لویجی پیرو، پیترو جی-سی-سی، لئوناردو، برگردان و تدوین: سپهر بچیوی..... ۵۰۰
- آشنایی با آشوب - جانائان مندلسن و الانا بلومنتال، برگردان: (با تلخیص) نگار نادری . ۵۰۲
- بررسی چندواژه ی پهلوی باستان در زبان مازندرانی - روح الله مهدی پور عمرانی..... ۵۱۱
- زبان پژوهش در دهه ی آینده - علی وانلی .. ۵۱۵
- بیابان ها و بیابانزایی - حسن داداش آراتی... ۵۲۲
- برخورد با تفاوت ها - مایکل آلبرت، برگردان: احمد جواهریان ..... ۵۲۸
- غول - منوچهر بصیر..... ۵۴۴
- برزیل و FTAA - جیمز پتراس، برگردان: بابک پاکزاد ..... ۵۲۸
- آیا می دانید که تب می تواند برای بدن مفید باشد؟ تورکا شهریاری ..... ۵۵۱
- سلامت روان و بازتاب آن در مقابله با فشارهای روانی، رویا کوچک منتظر ..... ۵۵۳
- ۱۰۰۰ نکته ی پزشکی - دکتر ولی اله آصفی... ۵۵۹

- آغاز سخن - پرویز شهریاری ..... ۲۵۰
- قدرت یک معادله - برگردان: زاله صمدی و مهدخت هاشمی..... ۴۵۸
- سیما تاباک آلبرت اینشتین - اس. چاترچس، برگردان: خسرو باقری ..... ۴۶۸
- عمر خیام و حل معادله های درجه سوم - عباس چرخچی ..... ۴۷۳
- مفهوم علت در پیشرفت فیزیک - تامس کنون، برگردان: علی اردستانی ..... ۴۸۲
- از تاریخ دانش و فن - برگردان: پرویز شهریاری ..... ۴۹۱
- زمان - برگردان: نگار نادری ..... ۴۹۴

## بررسی چند واژه ی پهلوی باستان در زبان مازندرانی

روح الله مهدی پور عمرانی

### ۱- وَشْتَن: (waštan)

در کارنامه ی اردشیر بابکان، «کرده ی» ۱۰، صفحه ی ۱۷۰ آمده است: «سه دیگر شب همگونه ایدون دید چونان که آذر فرنیغ و گشنسب و برزین مهر به خانه ی ساسان همی و خشند و روشنی به همه ی کیهان همی دهند.»  
در گزاره ی بالا فعل واژه ی «و خشند» مترادف با واژه ی فارسی امروزی «تابانند، فروزانند» است.

شکل های دیگر و ساخت های دیگر این واژه ی باستانی در گویش مردم مازندران نیز شنیده می شود. حتا در ادبیات رسمی و نوشتاری مازندران امروز هم ساخت های گوناگون این واژه دیده می شود که در این جا به چند نمونه ی آن اشاره خواهد شد:

### الف: در گویش ها و مثل ها

در لهجه ی طایفه ای از کوه نشینان آمل یعنی طایفه ی سنگچال که از بلوک دهستان «بندپی» به شمار می آیند، وَشْتَه (wašteh) به معنی نیمسوز و هیزم نیم سوخته است. چنان که می گویند: وَشْتَه کَل (wašteh kal)

و چنانچه بخواهند نفرین کنند، می گویند: وَشْتَه کَل بَهِی (wašteh kal bahi) یعنی آتش گرفته و سوخته شده. (الهی آتش بگیری و جزغاله شوی!) مصدر آن «وَشْتَن» است در معنی سوختن و شعله ور شدن.

در یک ترانه ی محلی، این واژه به صورت صیغه ی سوم شخص مفرد مضارع اخباری چنین آمده است:

در بالاخانه ای چراغ می سوزد (روشن است)

دختر سیاه چشمی کتاب می خواند

بَلَنَدِ بالاچا، چراغ وِشِنِه

سیو چِش کِیچا، کتاب اِشِنِه

هرچه اشاره می کنم، به من نگاه نمی کند  
من خوشم می آید به او نگاه کنم

هرچی چشمک زبیه میره نشینه  
میره ویره هار شی ین خیشینه<sup>۱</sup>

Belande bälājā čerāq wešene.

sīyu češe kijā ketāb ešene.

Harčī česmek zammeh mere nešene.

Mere were hārešīyen xešene.

### ب: در ادبیات رسمی و نوشتاری

نیما پوشیچ در سروده های بومی اش از ساخت دیگری از این واژه، استفاده کرده است:

خوابیده بودیم، شاهان دشت را دیدم  
کنار کلبه ی یارم مشعل روشن بود

بافت ویم بدیم شون دشت  
م یاز کیمه ور، شماله وشت  
جوون همتی ش اسب دام گشت  
چش بوشام هادام ش بهشت<sup>۲</sup>

Bāfet wimo badimo šone dašto

Me yāre kime war šamāleh wašto

Jawon homti še asbe dām gašto

Češ bōšamo hādāmo še behešto

نیما از همین واژه در دوبیتی دیگری هم استفاده کرده است:

خواب دیدم دنیا مثل بهشت شده است  
شیطان مرده بود و آفتاب خندان می درخشید  
گدا شاد بود چون تو بره اش پُر بود  
همه سر کار بودند و کار دنبال آدم می گشت

خو بدیم جهون اتا بهشت  
شیطون بکت آفتاب ختون وشت  
گدای دل شادون، و توره مشت  
هرکس به کار و کار پی و گشت<sup>۲</sup>

Xo badimo Jahon attā behešto

Šeytōn bakto āftāb xannon wašto

Gedaye del šādōn we tōre mašto

۱. کنزالاسرار مازندرانی (دیوان امیربازواری) برنهارد دارن روسی / به کوشش محمدشفیع مازندرانی / سن. پترزبورگ / ۱۳۷۷.

۲. مجموعه ی کامل اشعار فارسی و تبری نیما، سیروس طاهباز / انتشارات نگاه / چاپ پنجم / ویراست جدید ۱۳۸۰ / صفحه ۶۳۵ / پیشین / صفحه ۶۴۶.

Har kas bekār-o- kār Peče we gašto

در لهجه ی نوری که نیما با آن می گفت و می سرود، در پایان فعل ها، حرکتِ ضمه می آید، در حالی که در گونه های دیگر لهجه ی مازندرانی حتا لهجه ی معیار آن که به گویش ساروی معروف است، حرکت پایان فعل ها، کسره (ـِ) است.

۲- هیختن: آب برداشتن

و باز در کارنامه ی اردشیر بابکان (فصل ۱۳- کرده ی ۲) می خوانیم: «... دایگان و کنیزک به سر چاه بودند و آب همی هیختندی و چارپایان را آب همی دادندی.»<sup>۱</sup>  
هیختندی و همی هیختندی یعنی آب برمی داشتند.  
هم چنین در همین کتاب آمده است:

«بفرمایید نشستن، چه جای خوش و سایه ی درختان خنک و هنگام، گرم است تا من آب هَنجَم و خود و ستوران آب بخورید.»<sup>۲</sup>

فعلِ هَنجَم مترادف «آب از چاه بکشم» است.

و نیز در همان کتاب از این فعل، اسم ابزار هم ساخته شده است:

«شاپور به اسواران گفت که هیچه به چاه افکنید و آب هنجید.»<sup>۳</sup>

هیچه از مصدر هیختن، دلو و سطل (ظرف آب کشی) معنی می دهد. هیزه نیز ساخت دیگری از همین ریشه ی فعلی و باز هم به معنی سطل چرمی است که با آن آب از چاه برمی کشند.

«شاپور چونش دید که اسواران را هیچه از چاه هیختن نشاست.»<sup>۴</sup>

امروزه در جاهایی از مازندران - به ویژه در حوالی بابل و آمل و بیلاقات آن - بعضی از ساخت های این فعل واژه ی فارسی باستان هم چنان کاربرد دارد که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

واژه	آوانوشت	نوع ساخت	معنی
دهیشتن	Dahišten	مصدر	آب از چاه و چشمه آوردن
دهیز	Dahiz	فعل امر	آب بیاور
هاییز	Hāceez	مصدر	آب یا شیر سرد و گرم را پیمانه و قاطی کردن

۱- زند و هومن یسن / صادق هدایت / امیرکبیر / چاپ سوم ۱۳۴۲.

۲- پیشین / فصل ۱۳- کرده ی ۴.

۳- پیشین / فصل ۱۳- کرده ی ۷.

۴- پیشین / فصل ۱۳- کرده ی ۱۰.

جالب تر از همه، این که در روستای کوهستانی سنگچال (از توابع آمل) به چشمه ی محل، «هیتکا» می گویند و به تازگی همین نام را بر روی شرکت آبرسانی نهاده اند. فعل دهیشتن (هیختن) در لهجه ی مردم بندپی و سنگچال، قابل صرف کردن به ساخت ها و صیغه های شخصی است:

اول شخص مفرد	←	Dahišteme	←	آب آوردم
دوم شخص مفرد	←	Dahišti	←	آب آوردی
سوم شخص مفرد	←	Dahište	←	آب آورد
اول شخص جمع	←	Dahištemi	←	آب آوردیم
دوم شخص جمع	←	Dahištēni	←	آب آوردید
سوم شخص جمع	←	Dahištene	←	آب آوردند

ساخت های بالا در زمان گذشته (ماضی) ساده است، در زمان مضارع هم می توان این فعل را صرف کرد.

### تابلو مرموزا

پیکاسو تک چهره ی استراوینسکی را کشید و به او هدیه کرد. وقتی آهنگساز وارد مرز سوییس شد، توجه ماموران گمرک مرزی به این تابلو جلب شد. گمرکچی در حالی که خطوط و سطوح کج و کوله ی تابلو را با دقت و رانداز می کرد، از استراوینسکی پرسید:

- این چیه؟

- تک چهره ی منه! پیکاسو کشیده!

- مگر می شود؟

ماموران گمرک تابلو را ضبط کردند. به نظرشان این تابلو نقشه ی رمز

تاسیساتی جایی استراتژیک بود!!

# دانش و مرده

(علمی، آموزشی، فرهنگی)

دوره جدید، شماره ۲۵ و ۲۶  
مهر و آبان ۱۳۸۱

روی جلد: نقاشی مساری صخره‌ای وا پیند

## فهرست

○ آغاز سخن - پرویز شهریاری ..... ۲۲۶

○ نظریه ی همه چیز - ایستفان هاوکینگ،

برگردان: سامان کامگار ..... ۲۳۱

○ پیدایش زبان - خسرو یاقری ..... ۲۴۱

○ چشم اندازی نظیثی بر فرهنگ های ایران و زبان

شهاب ستوده نژاد ..... ۲۶۰

○ سپری در فضا های چندبُعدی - مارلین

گاردنر، برگردان: هرمز شهریاری ..... ۲۶۴

○ تاریخچه ی مختصر نسیت - استفن هاوکینگ

برگردان: ج. ا. بهرامی ..... ۲۷۸

○ درس هایی از سان رسر - هورادج ویلسن و...

برگردان: مهندس کورس خیایی ..... ۲۸۷

○ از تاریخ دانش و فن - پرویز شهریاری ..... ۲۰۰

○ ۱۰۰۰ نکته ی پزشکی - زنده یاد دکتر ولی اله

آصفی ..... ۲۰۳

○ رایسانه های مکانیک کوانتومی - ست لویس

برگردان: تهرین صابری ..... ۲۰۵

○ سفری سالم - مرگان تمت الهی ..... ۳۱۶

○ نسیمونه های از معماری صخره ای - آتش

ارشدی ..... ۳۲۳

○ خواندنی ها ..... ۳۳۱

علی ذهبی - مهدخت هاشمی



## نمونه‌هایی از معماری صخره‌ای

در سرزمین‌های کهن

از کاپادوکیه آغاز می‌کنیم، سرزمینی کهن با طبیعتی خیال‌انگیز و بس شگفت در قلب ترکیه. وقتی از آنکارا به سوی مشرق آناتولی سفر کنید سر راهتان به شهر کایسیری یا «قیصری» می‌رسید. در غرب قیصری در دره‌ی «گورمه» و در دره‌های مجاور جالب‌ترین دیدنی‌های ترکیه، «مخروط‌های سنگی کاپادوکیه» قرار دارد.

دو کوه مرتفع به نام ارجیاس کوه (به ارتفاع تقریبی ۴۲۵۰ متر) و حسن کوه (به ارتفاع تقریبی ۳۵۰۰ متر) بر جلگه‌ی این ناحیه سایه افکنده‌اند و از لحاظ طبیعی مناظری چنان عجیب به وجود آورده‌اند که وقتی «پل لوکاس» به سال ۱۷۰۵ در کتاب خود به نام «سفری به مشرق» این مناظر را توصیف کرد، هیچ یک از خواننده‌ها، آن را باور نکرده و نویسنده در فراتسه به نام «جهانگرد دروغ‌پرداز» معروف شد.

کاپادوکیه، سرزمینی که طی میلیون‌ها سال شکل گرفته است - فلاتی صخره‌ای - خانه‌هایی در دل سنگ، ستون‌های صخره‌ای (دودکش‌های پریان) عبادت‌گاه‌هایی که چندین متر در عمق سنگ پیش رفته‌اند این منطقه از کثرت غارها هم چون کندوی زنبور عسل به نظر می‌آید. این مجموعه فضایی اثیری و رویاگونه‌ای را به وجود آورده است که تأثیری سخت ماورایی بر انسان دارد، عظمت و شکوه، این منظره چنان است که هر انسانی را وامی‌دارد که ساعت‌ها تنها بنشیند و مبهوت این تابلوی زیبا شود.

سرزمینی که مادر طبیعت به طرز موشکافانه، دقیق و پرزحمتی روی آن کار کرده است. هم چون معجزه‌ای است که تصور و خیال را به مبارزه می‌طلبد. جایی که عناصر زنده‌ی تاریخی، فرهنگی، هنری، همه به طرز مبهم و ناگشوده‌ای به هم وصل شده و گره خورده‌اند.





تصویر شماره ۱

کاپادوکیه، منطقه ای مهم و حیاتی، منطقه ای استراتژیک که در مسیر جاده ی تجاری ابریشم که یکی از شاهراه های بزرگ تجاری دنیای قدیم بود و از چین و هند و ایران می گذشت، قرار گرفته است. تمدن کاپادوکیه تحت تاثیر تمدن آسوری بود، اما حضور اقوام دیگر، هیتی ها، پارس ها، رومی ها و... در این سرزمین نقش بسته است. سرزمینی که اقوام گوناگون با یکدیگر مبادله داشتند از تبادل کالا تا تبادل اندیشه، سرزمینی که فلاسفه با عقاید مختلف همدیگر را تحت تاثیر قرار می دادند و ترافیک سنگین منطقه، یک شبکه ی پیچیده ی تجاری فرهنگی را به وجود آورده بود. تاریخ این سرزمین آمیزه ی عجیب گذشته و حال است.

مليون ها سال پیش، کوه های ارجیاس، حسن کوه و آرچه داخلی با گدازه های آتشفشانی خویش کاپادوکیه را پدید آوردند. گدازه ها و مواد خارج شده از آتشفشان هم چون رودخانه ای جاری، سنگ های آهکی را پوشاند. گدازه ها با سنگ های آهکی درهم آمیختند، پس از مدتی که این آمیزه سرد شد، شکاف هایی در هر طرف ظاهر شد و نتیجه اش صخره های آتشفشانی بود، بارندگی های زمستانی، سیلاب های حاصل از ذوب برف ها، بادهای شنی، جریان رودخانه ها، به ویژه رودخانه ی سرخ فام قزل ایرماق، صخره های آتشفشانی بی حفاظ را مورد فرسایش شدید قرار داد و حاصلش آن چیزی ست که ما امروز می بینیم، آن چه که حاصل شده است

اشکال بسیار شگرف و جادویی است. اشکالی هم چون اهرام، برج های عظیم، دودکش های پریان با شکل های مخروطی، قارچی شکل، ستونی و صخره هایی که به نظر می رسد کلاهی بر سر دارند. این مناظر چنان عجیب است که کشاورزان محلی آن منطقه، اعتقاد دارند این غارها پُر از اشباح سرگردان است.

روایت شده است که در آغاز دوران مسیحیت، مسیحیانی که از چنگ دژخیمان گریختند به این سرزمین پناه می آوردند و درون غارهای صخره ای آتشفشانی از تعرض و گزند بدخواهان مصون می ماندند.

کاپادوکیه در سده ی ۱۰ میلادی از تهدید عرب ها آزاد شد و آنگاه برای حدود ۳۰۰ سال راهبان از آسودگی قابل ملاحظه ای تحت حکومت بیزانس و سلجوقیان برخوردار بودند و بیش تر کلیساها در این ایام در دل سنگ ها ساخته شد.

مسیحیان پناهنده ی غارها، نخست درون این غارها، اتاق هایی ساختند که در قسمت های مرتفع مخروط ها قرار داشت و راه رسیدن به این اتاق ها، صعود از پلکان های طنابی بود و آنگاه شروع به ساختن کلیساهایی درون غارهای سنگی نمودند و داخل کلیساها را با نقاشی های زیبا و دل انگیز روی گچ تزئین کردند. همه ی این ها را شما هم اکنون می توانید در دره ی گورمه، اورگوب و لی لیج لار ببینید. برفراز دو تا از مخروط های مشهور این ناحیه تخته سنگ هایی بهن و مسطح، مانند کلاه های نمدی قرار دارد و تعادل این سنگ ها روی این مخروط ها، شگفت انگیز است، درون این دو مخروط به ترتیب دو کلیسا به این شرح ساخته شده است: یکی کلیسای باکمر بند طلا (Tokali kilise) که موزاییک های داخل آن بیش از یک هزار و دوست سال قدمت دارد و حواریون را در حال ماهی گیری از دریای جلپله نشان می دهد و دیگری کلیسای سیب دار (Elmalı Kilise) که تصاویر اولیای مسیحی بر سقف آن نقش بسته است. سنگ های آتش فشانی با ابزارهای ساده و ابتدایی تراشیده شده اند و با گذشت زمان به تدریج بر تعداد صومعه ها در دل سنگ اضافه شد. در زمانی حدود ۳۰ هزار نفر سکنه داشته است و بیش از ۲۰۰ کلیسای کنده شده در سنگ، تاکنون در این محل شناسایی شده است. آنچه عجیب می نماید تراش سنگ های سختی است که بیش تر به نظر می رسد با دستان قوی بناهایی ماهر و ورزیده انجام شده تا دستان راهبانی که برای عبادت زانو می زدند. به هر حال معماری معابد بسیار دیدنی است و اکنون پس از گذشت سده ها این معابد و کلیساها قابل استفاده و سرپا هستند. پس از میلیون ها سال پیش این سرزمین، رخسار جاودانه ی خود را چنان حفظ کرده که گویی گذشت زمان هیچ گاه در آن تغییری نداده است.



تصویر شماره ۲

در سده ی ۱۴ میلادی (هنگامی که افول امپراتوری بیزانس آغاز شد، زندگی رهبانی در کاپادوکیه نیز رو به افول نهاد، اما در نیمه ی سده ی ۱۹ دوباره گروهی از مسیحیان به این منطقه آمدند و در غارها ساکن شدند و تا سال ۱۹۲۲ آن جا ماندند. هیچ کس به درستی نمی داند آخرین زاهد معتکف در این غارها چه موقع و چرا نهانگاه مخروطی شکل خود را ترک کرده است، ولی در هر حال میراث پرارزش و گران بهایی در این سرزمین برجای مانده است. هم اکنون کاپادوکیه با امکانات و تسهیلاتی که در آن فراهم شده است از مراکز بسیار مهم توریستی در ترکیه به شمار می آید که هر ساله تعداد زیادی جهانگرد از سراسر دنیا از این منطقه دیدن می کنند.

### روستای کندوان

نمونه ی دیگر از معماری صخره ای روستای کندوان است که تنها نمونه ی مشابه کاپادوکیه در دنیا است.

کندوان روستایی تاریخی و کم نظیر در ۲۲ کیلومتری جنوب اسکو، میان دره ای باصفا کنار رود پرآب کندوان در ۶۲ کیلومتری شهر تبریز، دامنه ی کوه سهنند قرار دارد.

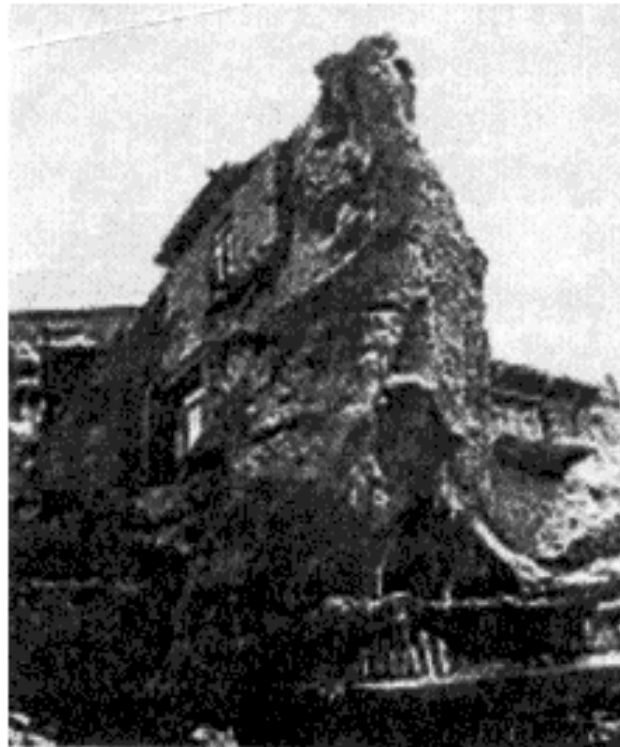


تصویر شماره ۳

همه ی خانه ها در کرانه ی شرقی رود کندوان ساخته شده است، کندوان منطقه ای کوهستانی و بیلاقی است که عده ای از ساکنان آن درون توده های مخروطی و هرمی شکل صخره ها، خانه، انبار، طویله و آغل پدید آورده اند. ساختمان خانه های کندوان از نوع معماری صخره ای است که از لحاظ فرم بنا و مصالح در سرزمین ایران منحصر به فرد است و به سده ی هشتم هجری و حتا پیش از اسلام نسبت داده شده است. در حمله ی مغول، صدها سال پیش گروهی از جنگجویان از این مناطق عبور و آنجا را به عنوان پایگاه خود انتخاب کرده اند و همین جنگجویان کندوان را به صورت دهکده ای درآوردند. مردم از روستاهای اطراف به ویژه (حیله ور، ۲ کیلومتری غرب کندوان) هزیمت کردند و در دشت کوچک مقابل کندوان که مشرف به دره است ساکن شدند. و بخشی از جمعیت کندوان را تشکیل دادند که از روی سفالینه های به دست آمده مشخص شده که تا زمان ایلخانیان نیز این محل مسکونی بوده است.

صخره های مخروطی کندوان در مراحل اولیه ی زمین شناسی که پوسته ی زمین در حال سخت شدن بوده و در اثر جابه جایی کوه ها به صورت متبلور از محیط اطراف خود جدا شده و فرم گرفته است.

این مخروطها بعدها در اثر ساییدگی به صورت فعلی درآمدند. حفره های طبیعی موجود در



تصویر شماره ۲

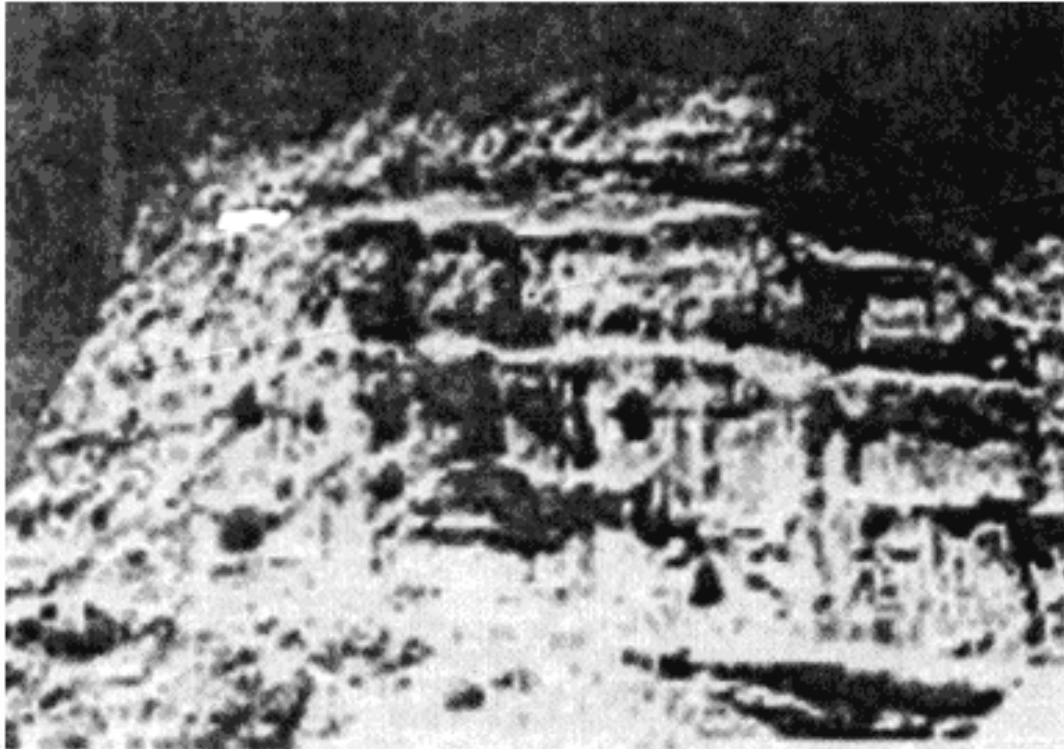
این مخروط‌ها گویای آن است که ضمن به وجود آمدن این مجموعه، هوا با گازهای موجود در داخل خمیره ی مخروط‌ها آزاد شده و حفره‌ها را به وجود آورده است. هم‌چنین احتمال دارد که مواد سبک‌تری در داخل آن وجود داشته که به تدریج بر اثر عامل‌های طبیعی از بین رفته است و جای آن به صورت حفره‌های بزرگ خالی مانده است.

مجموعه ی ده‌ها کران<sup>۱</sup>، چندتایی، دوتایی، فرد، مخروطی شکل و دوک مانند، منظره‌ای بدیع را پدید آورده است. ارتفاع این سنگ‌ها ۱۰ تا ۱۵ متر و قطر آن‌ها ۵ تا ۸ متر است. در مقابل فرسایش، بسیار مقاوم هستند و طی سده‌ها هنوز پایربرجایند. روستاییان با کندن سنگ، اتاق‌هایی به ارتفاع ۲ متر و گاه ضخامت ۳ متر به وجود آورده‌اند که در برابر گرما و سرما عایق بسیار مناسبی است. به جز اتاق‌های نشیمن ۲ مسجد با دو ستون سنگی و بیش از صد آغل و انبار در دل صخره‌ها کنده شده است. درون هر مخروط میان ۲ تا ۴ طبقه مسکن ساخته شده و کوچه‌ها در حقیقت همان شیارهای ناشی از جریان تخریبی آب‌هاست.

فرم کالبدی این مجموعه از لحاظ معماری یکی از نادرترین شیوه‌هایی است که تاکنون به وسیله ی بشر به عنوان محل سکونت، انتخاب شده است.

۱. کران: سنگ‌های مخروطی شکل که در دل آن‌ها خلعه‌های روستایی ایجاد شده است کران نامیده می‌شوند.





تصویر شماره ۵

آثاری از معماری صخره‌ای کهن ایرانی در غارهای سنگی خرئس

برای رفتن به کندوان باید به اسکو که در ۳۲ کیلومتری جنوب غربی تبریز است رفت و از اسکو ۲۰ کیلومتر راه، بازدیدکننده را به کندوان می‌رساند. کندوان نیز می‌تواند مانند کاپادوکیه به منطقه‌ی توریستی مهمی تبدیل شود.

### روستای خرئس (خَرِئَز)

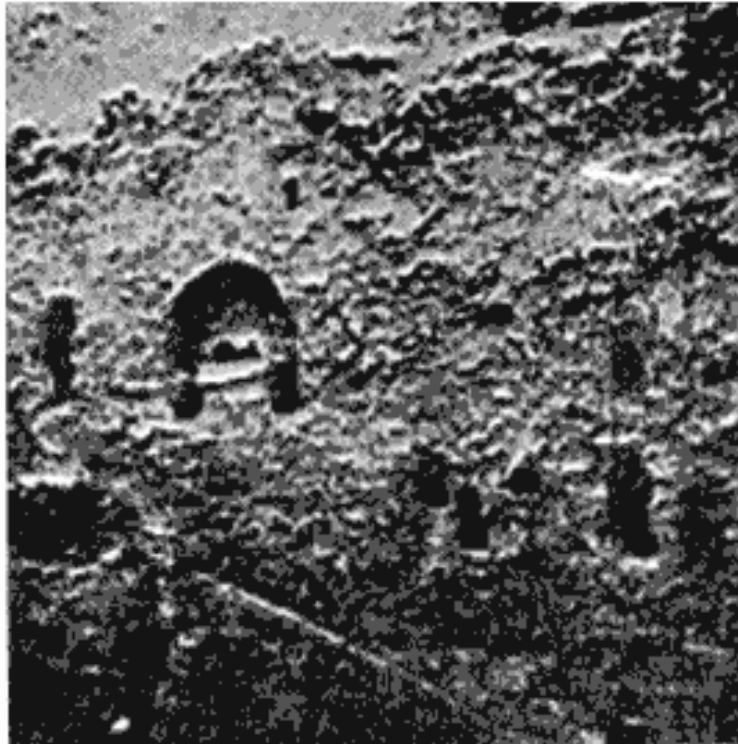
روستای قدیمی در جزیره‌ی قشم، بر سر راه قشم - درگهان واقع شده است. مهم‌ترین ویژگی آن که شگفتی هر بیننده را برمی‌انگیزد، معماری صخره‌ای موجود در آن است. در دل ارتفاعات روستای خرئس، آثار باشکوهی از معماری صخره‌ای دیده می‌شود که به عقیده‌ی برخی نیایشگاه پیروان میتراسم یا پرستشگاه آناهیتا، الهه‌ی آب بوده است.

### کلات<sup>۱</sup> خورموج<sup>۲</sup>

در دامنه‌ی کوه موند به فاصله‌ی ۳۰ کیلومتری شهرک خورموج، در ارتفاع سنگی مشرف

۱. کلات، ده یا قلعه که بر روی کوه ساخته شده باشد.

۲. خورموج: شهری است در ۸۰ کیلومتری شرق بوشهر (کنار راه بوشهر - کنگان - لنگه)



تصویر شماره ۶

به رودخانه ی خشکی که در بستر رودخانه ی قدیمی است، آثار حجاری و کوه تراشی بدیمی در دل صخره وجود دارد، که راهی باریک از سطح بستر رودخانه، آدمی را به ارتفاع ۶۰ متری که اولین مدخل معبد است، می رساند (بنایی سه طبقه در دل صخره) مهارت سنگ تراشی و انتخاب اضلاع قرینه در ظرافت تراش سنگ صخره ی کوه و تعبیر نور و محاسبه ی فواصل اضلاع و قرار دادن گنبد سنگی مخروطی، درست در اتاقک میانی و بر روی سکوی میانی به خوبی هنر سنگ تراشان و معماران این بنا را نشان می دهد.

کلات خورموج معماری صخره ای اعجاب انگیزی است که مانند سایر شواهد تمدن خلیج فارس صیغه ای مستقل و در عین حال متأثر از تمدن های مختلف ایرانی، هندی، آشوری، فنیقی و ایلامی دارد.

منابع:

1- Republic of turkey Ministry of tourism

۲- سرزمین و مردم ترکیه (ویلیام اسپنسر)، ۳- نشریه گردش، ۴- آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس - احمد آنتناری، ۵- شهرهای ایران - عبدالحسین سعیدیان